

عنوان مقاله:

نقش قول به تاریخت و مساله فرهنگ (بیلدونگ) در تکوین تلقی آلمانی از علم

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه علم، دوره 9، شماره 18 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

مهدی معین زاده - استادیار گروه فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاصه مقاله:

نیمه دوم قرن نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم دوران شکوفائی علوم ریاضی- طبیعی در آلمان است. کیرشف، هلمهولتز، ککوله، فیشر، هابر، ریمان پلانک، اینشتین، شرودینگر و ... صرفاً تعدادی از شهیرترین دانشمندان این دوره در آلمان هستند. با وجود پیشتازی آلمان در این دوره از سایر کشورهای اروپائی (خاصه انگلستان و فرانسه) در عرصه علوم ریاضی- طبیعی (Hofstetter, 2001: 56)، یاسپرس در همان سالهای اوج شکوفائی فیزیک در آلمان اظهار می‌دارد که Wissenschaft (معادل آلمانی واژه Science) امریست ناظر بر یک کل لایتجزا و فردی که دارای wissenschaft است در عین حال فردی فلسفی، فرهیخته و آشنا با فرهنگ و تمدن و ارزش‌های فرهنگی نیز هست (Jaspers quoted in Ringer, 1969: 10). ویندلباند - فیلسوف شهیر نئوکانتی همین دوره - نیز ضمن اشاره به توسع مفهوم wissenschaft نسبت به science، اعلام می‌دارد که این دو فرق فارقی با یکدیگر دارند چرا که "wissenschaft بنا بر ماهیت خود در کنش گرانش نوعی فهم ناظر بر ربط و نسبت دانش‌رشته تخصصی خود آنها با تمامیت بدنه معرفت و کلیت فرهنگ (Bildung= Kultur) بوجود می‌آورد. بدین ترتیب Wissenschaft بر خلاف Science متفطن تعلق خود به کلیت فرهنگ است، کلیتی که هنر، ادبیات، تاریخ، عرف، ذوق، اخلاق، دین و ... پاره‌های دیگر آن هستند" (Windelband quoted in Ibid: 103). مدعای اصلی این مقاله آنست که تفاوت قلمرو Wissenschaft، science، در درک خاص زیست‌جهان آلمانی از مفهوم تاریخت و مفهوم فرهنگ (بیلدونگ) که هر دو میراث تفکر رمانتیک اواخر قرن هجده و اوائل قرن نوزده هستند، بنیاددارد. این میراث البته از جهات مهمی در تغایر با سنت دکارتی - که از آن عموماً بعنوان بنیاد علم بطور اخص و جهان مدرن بطور اعم یاد می‌شود- قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی:

علم آلمانی، بیلدونگ، تاریخ‌گرائی، تاریخ‌مندی، رمانتیسیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1137480>

